



## «اختر» و «نسون»

■ مسعود کوهستانی نژاد

زنان و وضعیت آنان در ایران، همواره یکی از دغدغه‌های مهم گردانندگان، نویسندگان و دست‌اندرکاران مطبوعات در ایران بوده است. در شماره گذشته فصلنامه یاد، نگاه و نگرش مطبوعات فارسی‌زبان مصر را به این موضوع مورد کاوش قرار دادیم. در این شماره نتیجه پژوهش و تتبع در صفحات هفته‌نامه «اختر» را عرضه می‌داریم. سوال این پژوهش و محور اصلی موضوعی آن، میزان توجه و نوع نگاه مدیر، گرداننده و نویسندگان هفته‌نامه اختر، به موضوع زنان است و نتیجه پژوهش نیز در پیش روی.

■ ■ ■

جنبش اجتماعی و فرهنگی زنان در دهه‌های اواخر قرن نوزدهم (برابر با سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۴ قمری) گسترش زیادی یافته بود. در ایران آن دوره نیز، در بستر نهضت فرهنگی مدرسه‌سازی، یکی از مباحث مطرح شده ایجاد مدرسه‌هایی به سبک جدید برای دختران بود. مدارسی که در آن نگرش و تفکر نوینی را به محصلین آموزش داده و از این طریق امکان ترقی کشور، به آن گونه که در آن زمان رایج بود، فراهم می‌شد. در چنین اوضاعی، در هفته‌نامه «اختر» که در اسلامبول چاپ می‌شد، مسائل و موضوع‌های مربوط به زنان و دختران طرح و به بحث گذاشته شدند.

برای نخستین بار در یکی از شماره‌های سال ۱۲۹۳ قمری هفته‌نامه «اختر» مقاله‌ای با موضوع تربیت دختران چاپ شد. در ابتدای آن مقاله که به جای سرمقاله قرار داشت، نویسنده از تربیت اطفال سخن می‌گوید و پس از مقدمه‌چینی زیاد و با معیار قرار دادن این اصل که «مسئله اساس امر تربیت با والدها است»، این سوال مطرح می‌شود: «آیا جایز است دخترهای ملت ما همه نادان باشند و از زیورهای تربیت و هنر و ادب بری باشند؟»

در پاسخ به سوال مزبور، نویسنده مقاله نظرات خود را در رابطه با آموختن علم توسط دختران مطرح کرده و می‌نویسد:

«یقیناً جایز نیست و خلاف عقل است. پس آن چیزی که برای ما و برای مادرهای اولاد و فرزندان ملت ما لازم است تربیت دخترهاست زیرا که تربیت آنها اساس و مایه تربیت جامعه، اولاد و فرزندان خواهد بود. پس این اعتقاد قدمای ما که دخترها را نباید خط و علم آموخت، اعتقاد صحیح و درستی نتواند بود و هیچ وزن و سنگینی برای آنها تصور نتواند شد. این را در میان جهال اهالی شایع کرده و ماها خودمان هم در اوایل با کمال خلوص قلب این را تصدیق می‌کردیم؛ برخلاف حالا که انسان تصور می‌کند و به رای‌العین می‌بیند امر به کلی معکوس و حالات فرق به هم رسانیده است. اگر تتبع بشود کلاس‌های فصیح و شعرهای بسیار باشند و خطبه‌های طولانی و کتاب‌هایی که چه از زوجات طاهرات و چه از نسوان و بنات مکرمات اهل بیت اطهار و زنان و دختران اصحاب و تابعین و غیر هم در مواقع مطوعه انشاء و بیان و تقریر فرموده شده است، هوش از سر آدمی می‌برد. نص اسلام می‌فرماید:

«طلب علم فریضه است از برای هر مومن و مومنه».

عقل و خرد حکم می‌کند که این کار از اهم کارهاست. طبیعت امر می‌نماید به اینکه دقیقه‌ای از پیش بردن این مسلک مستقیم غفلت نباید کرد. پس این قاعده منحوسه را که نباید دختران را علم و خط آموخت، آیا به جزای نادانی تصور توان کرد؟ پس باید در امر تربیت دختران و تعلیم آنها از هر جهتی زیادتر دقت کنیم. مکتب‌های جداگانه برای آنها قرار دهیم و همه همت خودمان را در انتظام حال آنها مصرف داریم تا آنکه اساس تربیت را محکم و بنیان ادب را مستحکم کرده باشیم.

در امر ازدواج، هم کفوی را شرط کرده‌اند؛ یعنی زن و مرد باید مانند همدیگر باشند. این هم کفوی چه چیز است؟ یعنی در مالداری و فقیری مانند همدیگر باشند. یکی بیکزاد و دیگری از کسی نباشد؟ اینها نیست، بلکه این هم کفوی در علم و معرفت و ادب و مانند آنهاست و در صورتی که ما مجبور هستیم به اینکه همه دخترهای خودمان را حکماً نادان و بی‌ادب و بی‌علم و معرفت نگاه بداریم، این هم کفوی، کی و کجا و چگونه دست خواهد داد؟ از یک طرف می‌گوییم باید علم را از روز گهواره تا روز قبر بیاموزیم و این همه تحریص و ترغیب را در این مقام هم می‌کنیم و از طرف دیگر هم اساس این کار را برهم می‌ریزیم.

در هر حال امر تربیت دختران چند درجه از تربیت نسوان لازم‌تر است و اعتقاد اینکه نباید دختران را علم و خط آموخت از جاهلان و نادانان است و ما راست که لازمه همت و تعاون را در این مقام به عمل آورده و اطفال و فرزندان خودمان را، ذکوراً و اناثاً... فکر همت مجموعه ملت را نمایم.<sup>(۱)</sup>

۱۷ سال پس از چاپ مقاله فوق، مقاله دیگری با عنوان مشابه «تربیت بنات» در هفته‌نامه اختر به چاپ رسید. در این مقاله نظرات و دیدگاه‌های روشن‌تری نسبت به مقوله زن و نسوان و نحوه پیشرفت آنها و جایگاه زنان در تحولات اجتماعی و فرهنگی، بیان شده است. جملات ابتدایی مقاله در مقایسه بین وضعیت زنان در مشرق‌زمین با اروپاست:

«تربیت بنات را در اروپا از امور بسیار مهم می‌دانند و در حسن اهتمام آن هرگونه بذل و کاری را دریغ نمی‌دارند. به عکس این، در صفحات آسیا این امر را بسیار مهمل می‌انگارند. و دختران را تنها به دست هوس مادران جاهل بی‌علم می‌سپارند و چنین می‌پندارند که بر این طایفه علم را باید کمتر از مردان تعلیم نمود. اهمیتی که به تعلیم پسران می‌دهند و تدابیری که در آن باب به کار می‌برند هر چند بسیار ناقص و مختل است باز نسبت به دختران خیلی بیشتر است. این فقره تا به یک درجه معلوم است که امیدی از استقبال پسران

دارند و تربیت را از برای آنان نافع و سودمند می‌شمارند اما در باب دختران می‌گویند (ایشان هرگز احتیاج به علم ندارند، همین بس که امور بی‌تیه خود را در محور لایق دایر کنند و همیشه بی‌هیچ تانی و اعتراض سر بر خط فرمان ازواج خود نهند). و از ترس اینکه چون علم نیاموزند مرتکب فضول و بعضی حرکات نامعقول می‌شوند، آنان را در زیر حکم مادران دل آزار، یا در پنجه قهر دایگان ستمکار می‌گذارند و به کلی از اقتباس نور علم و یقین و از اکتساب فکر متین محروم می‌سازند. <sup>(۴۱)</sup>

در رابطه با مقایسه حقوق زنان در بین اقوام و ملل مختلف، نمونه جالب توجه دیگری نیز در هفته‌نامه «اختر» وجود دارد. نمونه مزبور، مقاله‌ای از سلسله مقاله‌های «غرائب عوائد ملل» است که در یکی از شماره‌های سال ۱۳۰۳ ق آن هفته‌نامه چاپ شد. در مقاله مزبور در ابتدا از ظلم و ستمی که در میان قبایل وحشی نسبت به زنان، انجام می‌شود، یاد شده و چنین نوشته می‌شود: «اکنون یکی از اموری که طبیعت استانی بر آن راضی نمی‌شود استحقرار و خوار شمردن زنان است و رفتار با ایشان به خلاف خشوددی حضرت یزدان. چنانچه وحشی صفتان آسیا و آفریقه و ینگی دنیا زنان را مافوق طاقت و تحمل ایشان به اشغال جانفروسا و می‌دارند و با این همه کار و بار دستوری، بیرون رفتن و یا شوهران در یکجا شام و ناهار خوردن نمی‌دهند. <sup>(۴۲)</sup>

در آن مقاله موضوع مهریه و یا «کابین» زنان مورد توجه قرار گرفته و در مقام مقایسه با آنچه که در اسلام و مغرب‌زمین است، می‌نویسد: «در بلاد اسلام زن را مهر و کابین دادن ناگزیر است. بسا هست که مبلغ هنگفتی به عنوان مهر به زن ببخشند. اما در نیمه دیگر خصوصاً در فرنگستان کابین را به مرد می‌دهند. گویند که امر، آشکار است و آن این است در آئینی که عصمت مرد راست و امر و نهی در دست مرد است و مرد بر زن فرمانروا و قوام است و زن باید فرمانبردار می‌باشد و بی‌دستوری مرد پای از خانه بیرون نهد و به عبارت اخری تمتعات خود را به مرد واگذارد، این معامله نوعی از خرید و فروخت شمرده می‌شود و بها شمردن با کسی است که از این تمتعات بهره‌مند می‌شود و آن مرد است و آن بها مهر و کابین. اما در آئینی که زن با مرد همسر و در آزادی مساوی و برابر است و آنچه می‌خواهد، می‌تواند کرد، بار ایشان بر دوش مرد است و مرد طلاقشان نمی‌تواند داد و زن بروی ایشان نمی‌تواند خواست. پس باید به مرد چیزی داد و از کسان زن چیزی گرفت که چنین بار گرانی را از دوش خود برداشته و بر دوش آن انداخته‌اند. <sup>(۴۳)</sup>

نویسنده مقاله «غرائب عوائد ملل» چاپ هفته‌نامه «اختر» در ادامه مطالب فوق به محسنات اسلام در ایجاد رابطه بین زن و مرد اشاره کرد و می‌نویسد: «از محاسن اسلام یکی اینکه خداوند عزوجل در دل مرد غیرتی خاص در مورد زن خویش القا و ودیعه فرموده است. حتی اینکه تمام اعضا [زنان] را نسبت به بیگانه عورت قرار داده. چنانچه نمودن و گشودن هیچ بدنی بر [زنان] به بیگانه جایز نیست و بیگانه را نگاه کردن عضوی از اعضای زنان آزاده، روا، نه، این است که [زنان] اسلام در خانه مصون و بر دیگران فرمانروا می‌باشند. زنان فرنگان از سایر زنان به دانستن و خواندن و نوشتن ممتازند و حال آنکه انجمنی در نزد زنان اسلام نوعاً عیب شمرده می‌شود؛ چه شاید بعضی مفاسد و معایب بر آن مترتب شود. همچنین از عادات جاریه عامه مسلمانان و بلکه ترسایانی که در دیار اسلام می‌باشند این است که اغیار نشاید از حال عیال و زن دیگران پژوهش و استفسار نماید و حال آنکه انجمنی در نزد فرنگان نوعی از ظرافت و ادب و نازک رفتاری شمرده می‌شود، چه غیرت و عصیبت مسلمانان در آنان نیست، چرا که ایشان را به عفت و درستی زنان خود اطمینان و آسودگی تمام است. <sup>(۴۴)</sup>

بازگردیم به مقاله «تربیت بنات» که در سال ۱۳۱۰ قمری در هفته‌نامه «اختر» چاپ شد و در صفحه‌های قبلی، بخش‌هایی از آن مورد بررسی قرار گرفت. در آنجا پس از مقایسه بین وضع زنان در کشورهای آسیایی

(بخوانید ایران) با کشورهای مغرب‌زمین، نویسنده مقاله مذکور به بیان نظرات خود پیرامون فعالیت‌های اجتماعی زنان پرداخته می‌نویسد: «راست است که دختران را علم بسیار به کار نیاید و چون قوه مفکره زنان ضعیف‌تر از مردان است طبعاً نیز به خود ایشان مستعد کسب فضایل و ادب و محتمل چندین مشاق و تعب نتوانند شد. نه ایشان به ریاست مملکت خواهند نشست، نه شمشیر از برای کارزار بر میان خواهند بست، نه دستار شریعت بر سر خواهند نهاد و نه ردای قضاوت در بر. بنابراین از بعضی علوم و وسیعه که متعلق به سیاست و حرب و حقوق و فلسفه و بلاغت و بیان است، صرف‌نظر می‌توانند کرد. اغلب صنایع مکانیکی نیز مناسب حال زنان نیست. بنیه ضعیفشان تنها قابل حرکات خفیف و مصدر خدمات بسیار معتدل تواند بود، خواص مادی و خصایل معنویشان تعالی ایشان را سه خاصیت عالی عنایت فرموده که از لوازم مادری و از شرایط فرزندپروری است: نظافت، حسن اداره، تدبیر منزل.

ولی اگر زنان طبعاً ضعیف هم خلق شده باشند این نقصی از برای آنان نتواند بود. بالعکس هرچه ضعیف‌ترند، بیشتر محتاج تقویتند. مگر آنان در دنیا مکلف به هیچ وظیفه و عمل نیستند؟ مگر زنان نیستند که گاهی باعث ترقی جمعیت‌ها و گاهی موجب خرابی خانواده‌ها می‌شوند و قوانین معیشت یعنی نوع بشر را از مهر تا لحد تنظیم و تحدید می‌نمایند؟ پس ایشان در ترویج اخلاق مرضیه و نشر عادات ستیه در میان مردم معاونت بسیار می‌کنند.

یک زن عقیقه عاقله کاردان در مثابه روح یک خاندان است و نظم امور جزئی و گاهی خانه بسته به وجود آن. حتی مردان نیز عموماً که بر ساکنین خانه حکم برتری دارند اجرای امور بی‌مدد و یاری زنان نتوانند.

این دنیا فعال نیست. دنیا عبارت از هیات مجتمعه خاندان‌هاست. پس یک خاندان را جز از زنان، پرهیز‌کار عصمت‌شمار که می‌تواند ضبط و نگاهداری کند؟ آیا باز زنان نیستند که شوهران خود را به سبب عدم امتزاج، از زندگی به ستوه می‌آورند؟ و ایشان را از بستر آسایش و راحت به ورطه سختی و محنت می‌اندازند؟ و اگر کودکان خردسال که تخم مزرعه بشرند از بدایت صباوت به آغوش ناز مادران بدآموز بیفتند و سیرت‌های زشت بگیرند، در انجام چه خواهند شد؟ پس اهمیت مشاغل زنان بیشتر از مردان است که موظف به ترتیب خانه و تنظیم کاشانه و سعادت زوج و تربیت فرزنداند. علاوه بر این، ایشان چون نصف بیشتر یعنی نوع انسانند از استحصال فضیلت و کمال سیرت نیز ناگزیرند. از اینجاست که سرور کاینات علیه افضل الصلوة می‌فرمایند (طلب العلم فریضة علی کل مومن...)<sup>(۹)</sup>

فی‌الجمله چنان که نسوان صالحه به اقتضای ادب، مظهر صفات حمیده و اطوار پسندیده می‌شوند، زنان سرکش و ناسازگار نیز به اقتضای دنائت، محرک بسیار وقایع ناهموار خواهند شد. این خود در نزد خردمندان آشکارست که بضاعت زنان بیشتر از جهالت مردان، مایه بدی و خرابی می‌شود.

خرابی کند تیغ جنگاوران

نه چندان که مکر و فریب زنان.

زیرا که اکثر کج‌روی‌های مردان و رفتار ناپسند ایشان از نقصان تربیتی است که در هنگام طفولیت از مادران خود گرفته‌اند و یاد زمان جوانی از زنان دیگر آموخته. در تاریخ دنیا چه فسادها، چه خرابی‌ها، چه جنگ‌های خونریز و چه حرکات فتنه‌انگیز خبث طبیعت ایشان برخاسته و بسی از تمدن و عمران جهان کاسته است. پس

حق تربیت دختران بیشتر از آنچه مردم می‌پندارند، حائز اهمیت و جالب دقت است.<sup>(۱۰)</sup> علاوه بر چاپ معدود مقاله‌های فوق، اخبار و گزارش‌هایی از وضعیت زنان در کشورهای دیگر نیز در هفته‌نامه «اختر» چاپ و منتشر می‌شدند که از آن جمله می‌توان به گزارش از تشکیل انجمن نسوان ارمنی در

اسلامبول اشاره کرد که در یکی از شماره‌های آن جریده در سال ۱۲۹۷ ق چاپ شد. در آن گزارش می‌خوانیم: «در میان طایفه نسوان ملت ارامنه انجمنی منعقد شده برای جمع‌آوری و جوه اعانه برای مصیبت دیدگان سمت آنا تولی و دفتری باز نموده‌اند. به موجب اطلاعاتی که حاصل نمودیم جناب جلال‌تلماب معین‌الملک سفیر کبیر ایران بیست عدد و بانک عثمانی سی عدد و کمپانی و ایورهای (اوئید) پانزده لیرای عثمانی اعانه به انجمن مذکور داده‌اند.»<sup>(۸)</sup>

در سال‌های بعد از چاپ خبر فوق، گزارش‌های دیگری نیز از فعالیت زنان در کشورهای مختلف، به طور پراکنده در هفته‌نامه «اختر» چاپ می‌شدند که از آن جمله می‌توان به: «احصائیه دانش‌آموزان دختر در قفقاز»<sup>(۹)</sup> (در سال ۱۳۰۸ ق)، جنبش مردانه، زنان در آمریکا علیه مشروب‌فروشی‌ها»<sup>(۱۰)</sup> (در سال ۱۳۱۰ ق)، «احصائیه‌ای از زنان شاغل در آمریکا»<sup>(۱۱)</sup> (در سال ۱۳۱۱ ق)، دو گزارش دیگر در سال ۱۳۱۱ ق شامل:

«گذشت و فداکاری یک زن در آمریکا»<sup>(۱۲)</sup> و «حضور زنان در مشاغل لشکری در انگلیس و آمریکا»<sup>(۱۳)</sup> و مطلب کوتاه «ترقی فن نقاشی در میان زنان فرانسه»<sup>(۱۴)</sup> (در سال ۱۳۱۲ ق)، اشاره کرد که در ادامه با نمونه‌ای از آنها آشنا می‌شویم.

در سال ۱۳۱۲ ق گزارشی در مورد مبارزات زنان آمریکایی و اروپایی با مصرف توتون و مشروبات، در هفته‌نامه «اختر» چاپ شد که در بخشی از آن آمده است: «از قراری که در روزنامه‌های فرنگستان دیده شد جمعی از اکابر زنان آمریکا و انگلستان و توانگران ایشان از دیرگاهی بدان خیال افتاده‌اند که تدبیری به کار ببرند که بدان واسطه مردان را از پاره‌ای از اخلاق مذمومه مانند مستی و استعمال توتون و غیر آنها که موجب انحلال صحت و منتج هزارگونه مفسدت است بازدارند. رئیس این انجمن انسانی «میس هرالد» نامی از نسوان محترم آمریکاست. «لیدی سامبرسال» نامی از زنان محترم انگلستان و «التی موجو و سکا» نامی از نسوان



مهدبه‌الاخلاق «بولونیا» نیز از روسای آن جمعیت به شمار می‌روند. اعضای مجلس و جمعیت آنان عبارت از نودتن زنان نجیبند و محل اجتماعشان شهر «نیویورک» است. این جمعیت به وکالت سه میلیون از زنان آمریکا و اروپا که بر دستشان از آنان امضا دارند، حرکت می‌کنند و استدعای مخصوص در باب اعانت پیشرفت مقاصدشان خطاب به حکمرانان ترتیب داده‌اند که در هر جا به ایشان تقدیم نموده و از ایشان استعانت جویند.»<sup>(۱۵)</sup>

متقابلاً در طی شماره‌های مختلف هفته‌نامه «اختر»، تنها در یک نمونه، نامه‌ای از یک دختر ایرانی چاپ شده. در نامه مزبور که محتوای آن پیرامون مندرجات «اختر» است، می‌خوانیم: «به مدلول

فارسی گوگرچه تازی خوشتر است  
عشق را خود صد زبان دیگر است.

مدتی بود که از مطالعه روزنامه اختر محظوظ بودم. برادر دانشوری داشتم که پیوسته اختر را برای مطالعه ام می‌فرستادند. اکنون دو سه هفته است از فرستادن اختر لطف خودشان را دریغ نموده‌اند. لهادر خدمت

سرکار عرض می‌کنم که هر هفته با پست شهر به عنوانی که جداگانه نوشته شده، برای این خواهشگر مطالعه جریده، خودتان یک نسخه روانه فرمایند.

در مجموع و در یک نگاه کلی تعداد مطالب چاپ شده در هفته‌نامه «اختر» پیرامون وضعیت زنان (و بویژه زنان ایرانی) بسیار اندک و ناچیز است. با توجه به اینکه محل چاپ و انتشار هفته‌نامه مذکور (شهر اسلامبول) یکی از بزرگترین و پررونق‌ترین شهرهای آن روز دنیا بود و در چنین محیطی، متفکران و نویسندگان بسیاری زندگی کرده و کتب و جراید بسیاری در آنجا انتشار یافته و یا از نقاط مختلف دنیا به آنجا ارسال می‌شد، علت عدم توجه جدی مدیر و گردانندگان جریده «اختر» به مقوله «زنان» جای سوال دارد. از سویی دیگر همان معدود مواردی که مقاله‌هایی در باب زنان در هفته‌نامه مذکور چاپ شده، بیانگر دیدگاه سنتی نویسندگان مقاله‌ها نسبت به موضوع بود؛ دیدگاه سنتی که حداکثر با طرح موضوع آموزش زنان، امید به بهبود بخشیدن وضعیت زنان در ایران را داشت. البته باز هم در صورت باسواد شدن زنان، جایگاه اجتماعی آنان، روابط زن با مرد، نوع فعالیت‌های زنان، تغییری نکرده و یا تغییرات پیشنهادی نویسندگان مقاله‌ها، آنچنان جدی و اساسی نبود. به هر روی از منظر «مطالعات مربوط به زنان در ایران»، با توجه به مطالب چاپ شده در دیگر نشریات فارسی‌زبان در داخل و خارج از کشور (همزمان با اختر)، مباحث طرح شده در آن هفته‌نامه فاقد ویژگی‌ها و جذابیت‌های جدی است.

#### پانویست‌ها

- ۱- هفته‌نامه اختر، ش ۳۶، س ۲، ۱۰ صفر ۱۲۹۳ قمری، ص ۱
- ۲- همان، ش ۹، س ۱۹، ۸ شوال ۱۳۱۰ ق، صص ۱۴۱ و ۱۴۲
- ۳- همان، ش ۲۸، س ۱۲، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۰۳ ق، ص ۲۳۴
- ۴- همان
- ۵- همان
- ۶- در اصل نقطه‌چین
- ۷- همان، ش ۹، س ۱۹، ۸ شوال ۱۳۱۰ ق، صص ۱۴۲ و ۱۴۳
- ۸- همان، ش ۲۰، س ۶، ۲۸ جمادی‌الاول سنه ۱۲۹۷ ق، ص ۱۲۳
- ۹- همان، ش ۳، س ۱۷، ۱۲ محرم ۱۳۰۸ ق، ص ۲۳
- ۱۰- همان، ش ۱۵، س ۱۹، ۲۱ ذی‌القعدة ۱۳۱۰ ق، ص ۱۴۸
- ۱۱- همان، ش ۲۱، س ۲۰، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۱ ق، ص ۲۵۱
- ۱۲- همان، ش ۱۶، س ۲۰، ۲۰ ربیع‌الآخر ۱۳۱۱ ق، صص ۱۵۸ و ۱۵۹
- ۱۳- همان، ش ۴۰، س ۲۰، ۱۱ شوال ۱۳۱۱، ص ۶۳۶
- ۱۴- همان، ش ۴۶، س ۲۱، ۱۱ ذی‌الحجه ۱۳۱۲ ق، ص ۱۴۰
- ۱۵- همان، ش ۴۰، س ۴، ۱۲ شوال ۱۲۹۵ ق، ص ۳۲۱